آیه ابلاغ در قرائت ابن مسعود اتمام حجت الهی در قرن پانزدهم

در دُر المَنثور ذیل آیه شریفه آمده؛ بحمدالله از اتمام حجتهای خدای متعال در قرن پانزدهم، زیر آیه غدیر و در مهمترین کتاب چاپ شده در سعودی آمده است. در کتاب «موسوعة التفسیر المأثور» درست زیر آیه آمده است. درست زیر آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»[1] آمده:

> {يَاأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (٦٧)}
>
> [قراءات]
>
> ٢٣٠٥٠ - عن عبد الله بن مسعود، قال: كُنَّا نقرأُ على عهد رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: (يَا أَيُّهَا الرسول بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ من رَّبِّكَ أَنَّ عَلِيًّا مَّوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)[2]

سبعة احرف را دیدید! دو حرف که هر دوی آنها هم درست است؛ «کلها کاف و شاف»، خدا برای ما گذاشته است. حال قرن پانزدهم است؛ در تعلیقه دارد که روافض و شیعه چنین میگوید؛ اما دیگر تعلیقه کنار میرود. این نقل برای چه تفسیری است؟

شاگرد: در المنثور سیوطی.

استاد: نه، در المنثور را که جمعآوری کرده. عرض کردم که در المنثور سند ندارد؛ سند آن را کجا آوردهٔ؟ میخواهم در ذهنتان بمانند. سندهای در المنثور کجا آمده؟ در مقدمه «درالمنثور» سیوطی میگوید من قبلاً کتابی نوشته ام به نام ترجمان القرآن، همه سندهای این حدیثهایی که در اینجا آوردهام در آن جا هست. میگوید دیدم خیلی حجیم است. لذا سندها را حذف کردم و در درالمنثور آوردم. همین چیزی را که در «در المنثور» میگوید، در ادامه میگوید: «اخرج ابن مردویه»؛ یعنی این در تفسیر ابن مردویه سند دارد. ابن مردویه یکی از بزرگان علماء اهلسنت است. روافض چیست که شما میگویید؟!

بحمدالله تفسیر ابن مردویه الآن پیدا شده. من خیلی در کتابها بهدنبال آن گشتم. گفتند نسخ آن الآن پیدا شده. مثل اینکه چاپ شده.

شاگرد: این روایت در آن هست؟

استاد: باید ببینم. به محضر آن آقا در کتابخانه تخصصی حدیث بروم. مدیر آن کتابخانه فرمودند. فرمودند بحمدالله پیدا شده. البته شاید کامل آن پیدا نشده باشد. بالأخره کار، این مشکلات را دارد. این خیلی عالی است. یعنی آنی است که آدم اگر برای آن هزاران کیلومتر طی طریق کند و این نسخه را ببیند و سندی که ابن مردویه برای این آورده ملاحظه کند، میارزد.

مطالبی که تکرار کردم، برای کسانی که نبودید، خب شنیدید. کسانی که دوباره شنیدید یادآوری است. برای اینکه بعضی از مطالب در ذهن شریفتان فعال شود. برخی از اساتید در زمینه این بحثها فرمایشاتی را میگویند، اگر برخی از اینها در ذهنتان فعال باشد و پای آن درس استاد باشید، سریع سر جایش میگویید. چیزی که میبینید جواب ندارد. اما اگر فعال نباشد آدم میفهمد که مطالبی یادش هست، اما بالفعل نمیتواند جواب او را بدهد. لذا ساکت میشود. تکرار اینها برای این است که خیلی از چیزهایی که نیاز است، فعال میشود تا آدم سرجایش خیلی سریع مستندات را ارائه بدهد. گفتم؛ بالاترین حرف این بود که گفته بودند قرائات حتی یک خبر واحد هم ندارد! اگر مقدمه مجمع یادتان باشد کافی است. برای اینکه بگویید چرا سند ندارد؟! مرحوم طبرسی که اهل فن هستند سند میگویند. همین یک کلمه کافی است. بعد خودش شخصاً مقدمه مجمع را نگاه میکند و آن حرف را هم میبینند. بعد میبینند که خلاصه باید چطور جمع کند. جمعش برعهده خودش.

شاگرد: وجه تکفیر این بود آن قرائاتی که بهخاطر توحید مصاحف از بین رفته بود، به این صورت بودند؟

استاد: اگر کسی بود که «کان نقرأ» ابن مسعود که در تفسیر ابن مردویه آمده را در اواخری که اقراء میکرده از او شنیده بود...؛ عمر ابن مسعود را به مدینه خواست. چرا او را زندانی کرد؟ چون پخش شده بود که اقراءهایی دارد. او که دیگر حدیث نقل نمی کرد. قاری بود. اینها بود که باعث تکفیر کردن اهل شام و اهل عراق میشد. اینها پس زمینهها بود. اینها تشابک شواهدش است. و الاّ اهلسنت این را نیاوردهاند.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] المائدة ۶۷

[2] ص۶۹۱- كتاب موسوعة التفسير المأثور - وكيع من همه ساء ما يعملون - المكتبة الشاملة

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 12:22:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژوئن 2024 13:15:00 توسط ... .